

دکتر رابرت ای. پترسون، کار نجات بخش مسیح، جلسه ۱۶، ۶ تصاویر مسیح، بخش ۳، مجازات جایگزین

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد کار نجات بخش مسیح است. این جلسه ۱۶، شش تصویر از مسیح، بخش ۳، جایگزینی مجازات است.

ما به مطالعه خود در مورد کار نجات بخش مسیح ادامه می‌دهیم.

ما با تصویر، استعاره‌ی جایگزینی کیفی، به ویژه اعتراضات علیه آن، و پاسخ به آن اعتراضات سروکار داریم. اعتراض شماره شش ادعا می‌کند که جایگزینی کیفی، پدر را در مقابل پسر قرار می‌دهد. گرین و بیکر با اشکال ساده‌ی جایگزینی کیفی مخالفت می‌کنند، زمانی که هر الهیات کفراه‌ای را که علیه پولس فرض می‌کند که خدا روی صلیب کاری با عیسی انجام داده است، توهینی به آموزه‌ی مسیحی خدای سه‌گانه است، نقل قول می‌کنند.

گرین و بیکر دوباره رسوایی صلیب را از صفحه ۵۷ بازیابی می‌کنند. آنها به دیدگاه‌هایی که خدا را به عنوان فاعل و مسیح را فقط به عنوان مفعول معرفی می‌کنند، اعتراض دارند. اما طرفداران متفکر جایگزینی مجازات این کار را نمی‌کنند.

به نقل از استات گوش دهید، ما هرگز نباید مسیح را هدف مجازات خدا یا خدا را هدف ترغیب مسیح قرار دهیم. زیرا هم خدا و هم مسیح فاعل بودند، نه مفعول، و با هم ابتکار عمل را برای نجات گناهکاران به دست گرفتند. بدون اینکه وارد جزئیات زیادی در این مورد شویم، دوباره به ویلیامز گوش دهید.

بنابراین، شهادت کتاب مقدسی در مورد عمل پدر نسبت به پسر وجود دارد، به ویژه در اینکه گناه را به گردن او انداخت و آن را در او محکوم کرد. برای بیان آنچه که باید آشکار باشد، او گناهی را که به مسیح منتقل شده بود مجازات کرد، نه اینکه مسیح را در ذات خود در نظر بگیرد، که از او در همین عمل بسیار راضی بود. ایراد شماره هفت، جایگزینی کیفی ظاهراً زندگی عیسی را نادیده می‌گیرد.

گرگوری بوید ضمن مخالفت با جایگزینی کیفی، اعتراف می‌کند و نقل می‌کند که من صادقانه درکش برایم دشوار است که چگونه این موضوع به جنبه‌های دیگر زندگی و خدمت عیسی مرتبط است. چهار مورد از متونی که در این سخنرانی‌ها مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، زندگی عاری از گناه عیسی را با مرگ او بر روی صلیب مرتبط می‌کنند، که به عنوان جایگزینی کیفی در نظر گرفته می‌شود. ما آن را در اشعیا ۵۳ می‌بینیم، جایی که بنده در عمل، کلام و شخصیت بی‌گناه است و مطمئناً اشعیا ۵۳ جایگزینی کیفی را ارائه می‌دهد.

او هیچ خوشنوی نکرده بود، هیچ فریبی در دهانش نبود، او بنده‌ی صالح من است، اشعیا ۵۳ آیات ۹ و ۱۱ همان بنده‌ی بی‌گناه به جای دیگران رنج می‌کشد و رنجی را که شایسته‌ی آن هستند، همانطور که اشعیا می‌گوید، دو بار تحمل می‌کند. و او گناهان آنها را به دوش خواهد کشید، در حالی که گناهان بسیاری را به دوش خواهد کشید، اشعیا ۵۳ آیات ۱۱ و ۱۲.

پطرس، پولس و یوحنا هر سه حقیقت را بیان می‌کنند. پولس، او را که گناه نشناخت، برای ما گناه ساخت تا ما در او پارسایی خدا شویم، دوم قرن‌تین ۵:۲۱. پطرس، زیرا مسیح نیز برای گناهان رنج کشید، مرا ببخش. پارسایی برای ناپارساء، تا ما را به سوی خدا بیاورد، اول پطرس ۳:۱۸.

سپس یوحنا از عیسی مسیح به عنوان عادل سخن می‌گوید. او کفار گناهان ماست، و نه تنها گناهان ما، بلکه گناهان تمام جهان نیز هست، اول یوحنا ۲۱ و ۲. توجه کنید که چگونه هر رسول از زندگی زمینی بی‌گناه مسیح صحبت می‌کند. پولس عیسی را کسی می‌نامد که گناه نشناخت، دوم قرن‌تین ۵:۲۱.

پطرس او را عادل می‌نامد، اول پطرس ۳:۱۸. و یوحنا، عیسی مسیح عادل، اول یوحنا ۲:۱. همچنین توجه کنید که چگونه در هر یک از این متون، سه رسول در حالی که جایگزینی کیفری را آموزش می‌دهند، از زندگی مسیح صحبت می‌کنند. بنابراین، این اعتراض به جایگزینی کیفری بی‌اساس است.

ایراد شماره هشت، جایی برای رستاخیز مسیح ندارد. مخالفان جایگزینی مجازات اصرار دارند که، نقل قول، به دلیل تمرکز منحصر به فرد بر رضایت کیفری، رستاخیز عیسی طبق این مدل واقعاً ضروری نیست. گرین و بیکر، رسوایی صلیب را بازیابی می‌کنند.

من اعتراف می‌کنم که طرفداران جایگزینی مجازات، همیشه به رستاخیز عیسی توجه کافی نکرده‌اند. اما سوءاستفاده از یک آموزه، آن آموزه را رد نمی‌کند. من یک استدلال تفسیری و یک استدلال الهیاتی ارائه خواهم داد.

اول، استدلال تفسیری است. کاملاً مشخص است که مضامین قانونی جایگزینی و توجیه با هم مرتبط هستند. پولس وقتی از مسیح ما عیسی، پروردگار ما، که به خاطر گناهان ما تسلیم شد و برای توجیه ما برخیزانیده شد، صحبت می‌کند، آنها را به رستاخیز عیسی مرتبط می‌کند.

رومیان ۴:۲۴-۲۵. از آنجا که نفرین ناشی از گناه آدم، مجازاتی بود که مرگ را به همراه داشت، معکوس شدن آن نیز مجازاتی است که زندگی را به همراه دارد. این معکوس شدن، مرگ و رستاخیز نیابتی عیسی را در پی دارد.

مارشال رومیان ۴:۲۵ را تفسیر می‌کند. در صلیب، محکومیت گناه توسط خدا نشان داده شده و به اجرا در می‌آید. مسیح گناه را به دوش می‌کشد، و بنابراین خدا اعلام می‌کند که گناه برداشته شده است.

و مسیح به نمایندگی از دیگران عادل شمرده می‌شود، به طوری که کسانی که به او ایمان می‌آورند و با او متحد می‌شوند، در عادل شمرده شدن او شریک می‌شوند. از این رو، رستاخیز برای عمل نجات ضروری است، زیرا صرفاً خدا نمی‌گوید که مسیح آنچه را که لازم بوده انجام داده است. بلکه خود خدا باید عمل بخشش را بر اساس آنچه انجام داده است، انجام دهد و او این کار را می‌کند.

بنابراین، مسیح برای عادل شمرده شدن ما قیام کرد و بدون این قیام مسیح، ما عادل شمرده نمی‌شدیم. دوم، استدلال الهیاتی است. اکثریت قریب به اتفاق الهی‌دانان اصلاح‌شده تعلیم داده‌اند که اطاعت مادام‌العمر مسیح از پدر و شریعت بخشی از کار نجات‌بخش اوست.

همانطور که جفری، اوی و سک استدلال می‌کنند، «این کاملاً با آموزه‌ی جایگزینی کیفری ادغام می‌شود. عدالت زندگی عیسی به ما نسبت داده شد تا بتوانیم توسط خدا عادل شمرده شویم یا عادل اعلام شویم و در برابر او پاک و بی‌گناه بایستیم - ایراد شماره نه به جایگزینی کیفری. این نمی‌تواند دامنه‌ی کیهانی مرگ و رستاخیز عیسی را توضیح دهد. جوئل گرین می‌نویسد، نقل قول می‌کند، تمرکز اغراق‌آمیز بر کفارهی عینی و «رستگاری به عنوان یک معامله، ابعاد اجتماعی و کیهانی رستگاری را مبهم می‌کند».

منتقدان شکایت کرده‌اند که کفاره‌ی جایگزین چنان به نجات افراد مربوط می‌شود که توجه را از داستان بزرگ‌تر کتاب مقدس، که شامل رستگاری کیهانی است که خدا آفریده است، منحرف می‌کند. در حالی که کتاب مقدس اصرار دارد که رابطه‌ی یک فرد با خدا موضوعی نزدیک به قلب اوست، پسر خدا مرا دوست داشت و خود را برای من فدا کرد. به عنوان مثال، در غلاطیان ۲:۲۰، کتاب مقدس همچنین به رهایی خلقت از لعنت می‌پردازد. خود خلقت از اسارت فساد آزاد خواهد شد، رومیان ۸:۲۱. این رهایی چه ارتباطی با جایگزینی کیفری دارد؟ پاسخ بسیار است.

نفرینی که از هبوط والدین اولیه ما ناشی شد، مجازاتی در پی داشت. نفرین‌هایی که خداوند بر مار آدم و حوا و زمین نازل کرد، همگی مجازات گناه نخستین بودند. نتیجه، بی‌نظمی در همه جا در میان انسان‌ها و در بقیه خلقت بود.

پولس توضیح می‌دهد: «آفرینش دستخوش بطالت شد و تمامی آفرینش تا به حال از درد زایمان با هم ناله می‌کنند» (رومیان ۸:۲۰ و ۲۲) (پایان داستان کتاب مقدس نشان می‌دهد که لعنت برداشته شده است، نقل قول از مکاشفه ۲۲:۳، دیگر چیزی نفرین شده نخواهد بود. چه اتفاقی افتاد که آفرینش را از لعنت خدا رهایی بخشید؟ پاسخ کتاب مقدس این است که مسیح مُرد و برخاست تا مجازات آفرینش را بردارد. چاره خدا برای لعنت کیفری آفرینش، جانشینی کیفری پسر است.

دوباره به ویلیامز گوش دهید، کسی که در همین زمینه کارهای برجسته‌ای انجام داده است، نقل قول می‌کند که جانشینی کیفری می‌آموزد که بر روی صلیب، خداوند عیسی مسیح لعنت بی‌نظمی را به جای ما از بین برد. به همین دلیل است که رستاخیز و خلقت جدید می‌تواند وجود داشته باشد زیرا موانع آن برداشته شده است. بنابراین، جانشینی کیفری پیش‌نیاز یک آموزه قوی از رستاخیز و به عنوان آغاز خلقت جدید است، نه یک عامل انحرافی از آن.

اگر مسیح مجازات را متحمل نمی‌شد، خلقت همچنان زیر لعنت می‌بود، همچنان مختل و ناتوان از تجدید حیات. ایراد ۱۰. جایگزینی مجازات، رشد اخلاقی را در زندگی مؤمنان تضعیف می‌کند.

انتقاد رایج از مخالفان جایگزینی مجازات توسط گرین خلاصه می‌شود: «الگوی غالب کفاره که بر فرد در قضاوت پزشکی قانونی متمرکز است، مانعی برای یک نجات‌شناسی کامل با محوریت تقدس زندگی است. آیا عمل رستگاری به عنوان دگرگونی با عمل کفاره مسیح بی‌ارتباط است؟» اما چنین اعتراضاتی پیوند بین جایگزینی و اتحاد با مسیح، قلب کاربرد رستگاری، را نادیده می‌گیرد.

اتحاد با مسیح برای جایگزینی کیفری ضروری است، زیرا عدالت انتقال گناه ما به مسیح را برقرار می‌کند همانطور که جان اوون توضیح داد، و من نقل قول می‌کنم، "خداوند ممکن است برگزیدگان را یا در شخص خودشان یا در ضامن آنها، که نماینده آنها در جای آنها ایستاده است، مجازات کند. و هنگامی که او مجازات می‌شود، آنها نیز مجازات می‌شوند. زیرا از این دیدگاه، رئیس فدرال، مسیح، و کسانی که توسط او نمایندگی می‌شوند، متمایز از هم نیستند، بلکه به عنوان یک واحد در نظر گرفته می‌شوند. اگرچه آنها از نظر وحدت شخصی یکی نیستند، اما با این حال، یکی هستند. این یک بدن در اتحاد عرفانی است، بله، یک مسیح عرفانی، یعنی ضامن سر است و کسانی که توسط او نمایندگی می‌شوند، اعضا هستند. و هنگامی که سر مجازات می‌شود، اعضا نیز مجازات می‌شوند."

اوون درست می‌گوید. کتاب مقدس، کفاره مسیح و زندگی مسیحی را به واسطه اتحاد با مسیح به هم پیوند می‌دهد. ویلیامز توضیح می‌دهد که ایده اتحاد با مسیح در مرگ او، بخش جدایی‌ناپذیر از جایگزینی کیفری است.

اتحاد با مسیح، عدالت انتقال گناه به مسیح را توضیح می‌دهد. اگر ما با او مرده‌ایم، همانطور که او مرد همانطور که او مجازات گناهان ما را متحمل شد، پس باید خود را نسبت به گناه مرده بدانیم. آموزه بنیادی اتحاد با مسیح، پیوندی ناگسستنی بین جایگزینی کیفری و تقدیس شخصی ایجاد می‌کند.

البته ویلیامز به فصل ۶ رومیان اشاره می‌کند. آخرین استدلال علیه جایگزینی کیفری این است که این کار کودک‌آزاری کیهانی است. این ایراد آخر فرض می‌کند که وارد کردن درد و رنج به کودک توسط والدین اشتباه است و در برداشت سنتی مسیحیت، پدر بر روی صلیب به مسیح درد و رنج وارد کرده است و در نتیجه الگوی ناعادلانه‌ای ارائه می‌دهد که باعث ترویج کودک‌آزاری می‌شود. این دیدگاه دارای چندین مشکل است.

اولاً، عیسی پسر بود، اما هنگام مرگ خردسال نبود. ثانیاً، عیسی برای جلال بخشیدن به خود، مثلاً در یوحنا، و برای نجات قوم خود، رومیان ۵۸، و همچنین جلال دادن به پدر، جان خود را فدا کرد. در مقابل، ۱۷:۱ کودک‌آزاری صرفاً برای ارضای فرد کودک آزار انجام می‌شود.

سوم، این انتقاد از جایگزینی مجازات نابجا است زیرا تشخیص نمی‌دهد که آغاز صلیب تصمیم تثلیث بود. پسر با میل و رغبت جان خود را فدا کرد تا گمشدگان را نجات دهد. در مسیح خدا، پدر جهان را با خود آشتی می‌داد، دوم قرن‌تین ۱۹:۵.

هاوارد مارشال این نکته را به خوبی نشان می‌دهد. پدر یا مادری که خود را در معرض خطر قرار می‌دهد و برای نجات فرزندش از خانه‌ای در حال سوختن می‌میرد، ستودنی تلقی می‌شود. خدایی که در شخص عیسی برای گناه بشر رنج می‌کشد و می‌میرد، در همین دسته قرار می‌گیرد.

درست است که مفهوم رنج کشیدن و مردن خدای پسر، یک پارادوکس و غیرقابل درک است و ما باید این واقعیت را تشخیص دهیم، اما این چیزی است که کتاب مقدس می‌گوید. نقل قول نزدیک، الهیات عهد جدید مارشال. چهارم، وقتی مخالفان جایگزینی مجازات از این انتقاد استفاده می‌کنند، باید به خاطر داشته باشند که به همان اندازه که در ابتدا توسط فمینیست‌های رادیکال مطرح شد، نه تنها به جایگزینی مجازات، بلکه به آموزه مسیحی کفار به طور کلی حمله کرد.

به گفته‌ی جوآن کارلسون براون و ربکا پارکر گوش دهید: «تصویر اصلی مسیح بر روی صلیب به عنوان ناجی جهان، این پیام را می‌رساند که رنج، رستگاری است. این پیام با الهیاتی که می‌گوید مسیح در اطاعت از اراده‌ی پدرش رنج کشید، پیچیده‌تر می‌شود. کودک‌آزاری الهی به عنوان امری نجات‌بخش جلوه داده می‌شود و کودکی که حتی بدون بلند کردن صدایش رنج می‌کشد، که اشاره‌ای به اشعیا ۵۳ است، به عنوان امید جهان مورد ستایش قرار می‌گیرد.» اگر این استدلال پذیرفته شود، بیش از حد اثبات می‌شود.

تحلیل ویلیام درست است. همانطور که در ابتدا مطرح شد، حمله فمینیست‌های رادیکال به صلیب به عنوان کودک‌آزاری کیهانی، نه تنها حمله‌ای به جایگزینی کیفری، بلکه حمله‌ای به صلیب است. ایده کلی، این انتقاد از جایگزینی کیفری، به این ایده کلی حمله می‌کند که پدر رنج پسر را اراده کرده است، نه به این ایده خاص که او رنج جایگزینی کیفری پسر را اراده کرده است.

برای بسیاری از فمینیست‌ها، انتقاد آنها منجر به رد مسیحیت می‌شود، زیرا این دین بدون شک شامل این ایده است که خداوند رنج‌های مسیح را هدف قرار داده است. در نهایت، این رنج، رنج رهایی‌بخش را هدف قرار داده است که غیرقابل قبول تلقی می‌شود. مسیحیت باید برود.

نقل قول آخر. و می‌خواهم خیلی مراقب باشم. سوءتفاهم نشود.

من انجیلی‌ها و دیگرانی را که از استدلال کودک‌آزاری الهی استفاده می‌کنند، متهم نمی‌کنم که لزوماً ایمان، مسیحی را رها می‌کنند یا از فمینیسم رادیکال حمایت می‌کنند. با این حال، اشاره می‌کنم که آنها، حداقل هم‌بسترهای عجیبی دارند. اگر این استدلال تحت فشار قرار گیرد، نه تنها به رد جایگزینی مجازات، بلکه به رد خود مسیحیت منجر می‌شود.

من سپاسگزارم که برادران و خواهرانم که با جایگزینی مجازات با انجیل‌گرایی مخالفند، آن را به این نقطه نمی‌رسانند، اما این واقعیت نشان می‌دهد که طرفداران انجیل‌گرایی آن باید در مورد این استدلال تجدید نظر کنند - همه چیز را کنار هم بگذارند و جایگزینی مجازات را خلاصه کنند. متون زیادی وجود دارد که آن را آموزش می‌دهند.

به دلیل اهمیت آن و حملاتی که علیه آن صورت گرفته، فقط به ذکر منابع اکتفا می‌کنم. پیدایش ۸:۲۱، خروج ۱۲:۱۳، و ۳۴:۶، و ۷. لاویان ۱:۹، ۲:۱ و ۵-۲:۳. لاویان ۴:۲۹ و ۳۱. لاویان ۱۶:۲۱، ۲۲، روز بزرگ کفاره. اشعیا ۵۲:۱۳، ۵۳:۱۲، مرقس ۱۰:۴۵. رومیان ۳:۲۵، ۲۶. رومیان ۸:۱-۴. دوم قرنتیان ۵:۲۱. غلاطیان ۳:۱۳. کولسیان ۲:۱۴. اول پطرس ۲:۱۴ و ۳:۱۸.

اول یوحنا ۲:۲ و ۴:۱۰. همانطور که قبلاً گفتیم، حوزه این تصویر قانون است و شامل دادگاه، قاضی، متهم، حکم متهم، محکومیت، عادل شمردگی و فرزندخواندگی می‌شود. هم عادل شمردگی و هم فرزندخواندگی، تصاویر قانونی هستند.

یکی در دادگاه کیفری و دیگری در دادگاه خانواده اتفاق می‌افتد، اما هر دو به این ترتیب قانونی هستند. پیشینه عهد عتیق شامل رایحه‌ای دلپذیر برای خداوند، بره عید فصیح، شخصیت یهوه در خروج ۳۴، ۶ و ۷، دو بز در روز کفاره و بنده رنج کشیده در اشعیا ۵۳ است. تعریف.

تام شراینر، جانشینی کیفری را به خوبی تعریف می‌کند. پدر، به دلیل عشقش به انسان‌ها، پسرش را فرستاد که با میل و رغبت خود را فدا کرد تا عدالت خدا را اجرا کند و مسیح جای گناهکاران را بگیرد. مجازات و جریمه‌ای که ما سزاوارش بودیم، به جای ما، بر دوش عیسی مسیح گذاشته شد تا بر روی صلیب، هم تقدس و هم عشق خدا آشکار شود.

نیاز به جایگزینی کیفری. نیاز بشریت به مسیح، جایگزین کیفری ما، گناه ما در برابر خدای عادل و مقدس است. به دلیل گناه نخستین آدم و گناهان واقعی خودمان، ما در برابر کرسی داوری خدا محکوم شده‌ایم.

رومیان ۵:۱۲ تا ۱۹، و حتی قبل از آن بخش از گناه اولیه، رومیان ۱:۱۸ تا ۳:۳۰، گناهان واقعی را محکوم‌پذیر نشان می‌دهند. در یک کلام، نیاز، محکومیت شایسته ما به دلیل گناهانمان، چه گناه آدم و چه گناه ما، است آغازگر.

آغازگر جایگزینی کیفری همیشه خداست، گاهی پدر. اشعیا ۵۳، ۱۰، رومیان ۳:۲۵، رومیان ۸:۳، دوم قرنتیان کولسیان ۲:۱۴، اول یوحنا ۴:۱۰، و گاهی آغازگر جایگزینی کیفری پسر است. اشعیا ۵۳:۱۲، مرقس ۵:۲۱، ۱۰:۴۵، غلاطیان ۳:۱۳، اول پطرس ۲:۲۴، و ۳:۱۸.

میانجی. میانجی، جایگزین کیفری ما، عیسی مسیح است. متن پشت متن، عیسی را به عنوان میانجی جایگزینی قانونی معرفی می‌کند.

من فقط پنج مورد را از بین موارد بسیار انتخاب می‌کنم. پنج مورد از نویسندگان مختلف کتاب مقدس. اشعیا به دانش خود، بنابراین بنده صالح من بسیاری را عادل می‌کند و گناهان آنها را بر خود حمل خواهد، ۱۱:۵۳ کرد.

مرقس ۱۰:۴۵، زیرا حتی پسر انسان نیز آمد تا جان خود را چون فدی‌ای برای بسیاری فدا کند. غلاطیان مسیح با تبدیل شدن به یک نفرین برای ما، ما را از لعنت شریعت آزاد کرد. اول پطرس ۱۸:۳، زیرا ۱۳:۳ مسیح نیز یک بار برای گناهان رنج کشید، یعنی عادل‌لی برای ظالمان، تا ما را نزد خدا بیاورد.

اول یوحنا ۲:۲، عیسی کفاره گناهان ماست و نه فقط گناهان ما، بلکه گناهان تمام جهان. کاری که عیسی به عنوان جانشین کیفی انجام می‌دهد چیست؟ این است که به جای ما بمیرد و مجازاتی را که ما سزاوار آن بودیم، بر خود بگیرد تا ما عادل شمرده شویم و بخشیده شویم. اشعیا ۵:۵ و ۶، زیرا او به خاطر گناهان ما مجروح شد، به خاطر گناهان ما له شد، بر او عذاب آمد که ما را آرام کرد و با زخم‌های او ما شفا یافتیم.

خداوند گناه همه ما را بر او نهاد. زیرا پسر انسان نیز آمد تا جان خود را به عنوان فدی‌ه برای بسیاری بدهد. مرقس ۱۰:۴۵، من مرتباً به آن برمی‌گردم چون بسیار مهم است.

مسیح عیسی، که خدا او را به عنوان کفاره در خون خود قرار داد. رومیان ۳:۲۴، ۲۵، اینها مکان‌هایی هستند که کار عیسی را در توجیه ما از طریق جایگزینی مجازات نشان می‌دهند. خدا با فرستادن پسر خود به شباهت جسم گناهکار و برای گناه، گناه را در جسم محکوم می‌کند.

رومیان ۸:۳، خدا او را که گناه نشناخت، برای ما گناه ساخت تا ما در او پارسایی خدا شویم. دوم قرنتیان کولسیان ۲:۱۳ و ۱۴، و شما را، خدا با او زنده کرد، زیرا با بخشیدن همه گناهان ما، سند بدهی را که با ۲۱:۵ الزامات قانونی‌اش علیه ما بود، باطل کرد.

او این را کنار گذاشت و آن را به صلیب می‌خکوب کرد. او خود گناهان ما و بدن خود را بر روی درخت حمل کرد. اول پطرس ۲:۲۴)

این عشق است. نه اینکه ما خدا را دوست داریم، بلکه او ما را دوست داشت و پسرش را فرستاد تا کفاره گناهان ما باشد. اول یوحنا ۱۰:۴)

داوطلبانه. عیسی با میل و رغبت خود را به جای قومش فدا کرد. او مجبور به این کار نشد.

او جان خود را به کام مرگ ریخت. اشعیا ۵۳:۱۲. پسر انسان آمد تا جان خود را به عنوان فدی‌ه برای بسیاری فدا کند.

مرقس ۱۰:۴۵. من جان خود را می‌نهم تا آن را دوباره به دست آورم. هیچ‌کس آن را از من نمی‌گیرد، بلکه من آن را به میل خود می‌دهم.

یوحنا ۱۷:۱۰ و ۱۸. آنگاه گفتم، اینک آمده‌ام تا اراده تو را ای خدا به جا آورم. عبرانیان ۷:۱۰ و ۹. جانشینی

این دقیقاً اصل مطلب است. پسر خدا به جای گناهکاران می‌میرد و مجازات گناهان آنها را متحمل می‌شود. نیازی نیست که بارها و بارها این آیات را نقل قول کنیم، آنها به وضوح این موضوع را نشان می‌دهند.

خاص بودن. برخی از بینندگان و شنوندگان من اعتراض خواهند کرد، اما من می‌خواهم که آنها در مورد این موضوع فکر کنند. رستگاری و جایگزینی شامل اثربخشی است که دلالت بر خاص بودن دارد.

کفار نیابتی مسیح، رنج او از مجازاتی که گناهکاران نمی‌توانند بپردازند، به دلایل زیر مؤثر است. تنبیهی که برای ما آرامش به ارمغان آورد بر او آمد و با زخم‌های او ما شفا یافتیم. اشعیا ۵۳: ۵. بنده صالح من به دانش خود بسیاری را عادل خواهد شمرد و گناهان آنها را بر دوش خواهد کشید.

اشعیا ۵۳: ۱۱. مسیح با تبدیل شدن به یک نفرین برای ما، ما را از لعنت شریعت رهایی بخشید. غلاطیان ۳: ۱۳

و شما، ای خداوند، که با او زنده شدید، چونکه همه گناهان ما را بخشیدید، با لغو سند بدهی که با الزامات قانونی‌اش علیه ما بود. او آن را کنار گذاشت و بر صلیب می‌خکوب کرد. کولسیان ۲: ۱۳، ۱۴)

او خود گناهان ما و بدن خود را بر دار حمل کرد. اول پطرس ۲: ۲۴. مسیح نیز برای گناهان رنج کشید، یک بار برای گناهان، یعنی عادل برای ظالمان، تا ما را نزد خدا بیاورد.

خدا ما را دوست داشت و پسرش را فرستاد تا کفار گناهان ما باشد. اول یوحنا ۱۰: ۴. کفار جایگزین مسیح از طریق مرگ و رستخیز او مؤثر است.

او در واقع صلح می‌آورد، شفا می‌دهد، بسیاری را پارسا می‌کند، از لعنت شریعت رهایی می‌بخشد، پرونده بدهی را باطل می‌کند، گناهان را در بدن خود حمل می‌کند، مردم را به سوی خدا می‌آورد و کفار گناه است. و اگر کار نجات‌بخش او جایگزین و بنابراین مؤثر باشد، فقط دو امکان وجود دارد. یا جهانی است و همه نجات می‌یابند، یا خاص است و همه کسانی که خدا برگزیده است نجات می‌یابند.

جهان‌شمولی با پیام کتاب مقدس سازگار نیست. سی‌جی‌آی پکر، جهان‌شمولی، آیا همه نجات خواهند یافت؟ در *جهنم زیر آتش*، کتابی که من در سال ۲۰۰۴ به همراه کریستوفر مورگان برای انتشارات زوندروان ویرایش کردم. مخالفت پکر با جهان‌شمولی در آنجا برجسته است.

اگر عیسی به مرگی نیابتی مُرده باشد، که چنین هم شد، بنابراین، مرگ او مؤثر است. اگر مؤثر باشد، تنها دو احتمال وجود دارد. یا برای همه مؤثر است، یعنی جهان‌شمول‌گرایی، یا برای برگزیدگان مؤثر است و در نهایت فقط آنها نجات خواهند یافت.

جی‌آی‌پکر به همین شیوه برای کفار خاص یا قطعی استدلال می‌کند. «اگر استفاده‌ای که از مدل جایگزینی کیفی در طول تاریخ شده است بررسی شود، شکی نیست، علیرغم آشفتگی‌های فکری گاه به گاه، که بخشی از هدف، تجلیل از قاطعیت صلیب به عنوان به هر معنا علت نجات است. با این حال، هنگامی که این امر پذیرفته شود، ما در انتخاب بین جهان‌گرایی و نوعی از این دیدگاه که مسیح برای نجات تنها بخشی از نژاد بشر پذیرفته شود، «جان باخت، محصور می‌شویم»

می‌توانم اضافه کنم که یکی از خطرات الهیات سیستماتیک این است که آنچه را که خدا کنار هم قرار داده است، از هم جدا می‌کند. همانطور که بینندگان ممکن است گمان کنند، من یک کالونیست هستم، اما حاکمیت مطلق خدا و آزادی واقعی انسان برای وجود را در تنش در کتاب مقدس درک می‌کنم.

و بنابراین، من آزادی اراده را به درستی درک نمی‌کنم. من با مفهوم آزادی اراده آرمینیایی مخالفم؛ در اینجا کمبود واژگان دارم؛ شاید این اتفاق بیفتد، و من تأیید می‌کنم که به دلیل سقوط، ما قادر به انتخاب خدا

نیستیم و او باید ما را برای نجات خود انتخاب کند. ما باید مسیح را انتخاب کنیم، خدا باید ما را برای نجات ما انتخاب کند.

اما من هم حاکمیت و هم آزادی را تأیید می‌کنم. چیزی که الان خواندم، از نظر حاکمیت قوی است، صرفاً به این دلیل که ما در مورد کفار مسیح صحبت می‌کنیم. من با آزادی اراده‌ی لیبرترین مخالفم، که در باغ عدن صادق بود اما در هبوط از دست رفت، فقط تا حدودی در زندگی مسیحی بازیابی می‌شود، اما در رستخیز مردگان صادق خواهد بود.

ما در محاسبه نهایی امور، آزاد نخواهیم بود که شر را انتخاب کنیم. ما کاملاً آزاد خواهیم بود. آزادی واقعی را باید از آزادی انتخاب متمایز کرد.

انسان‌ها همیشه آزادی انتخاب دارند، اما آزادی واقعی همان چیزی است که والدین اولیه ما در باغ عدن از آن برخوردار بودند، یعنی توانایی عشق ورزیدن، خدمت کردن و شناخت خدا. این آزادی در پاییز از دست رفت اما در مسیح تا حدودی بازیابی شد، اما در آسمان‌ها و زمین جدید، هنگامی که موجودات رستخیز یافته کاملاً تقدیس می‌شوند، درخشنده خواهد بود، اول تسالونیکیان ۵ در اواخر، و ما قادر به گناه نخواهیم بود. در آن زمان ما آزادترین خواهیم بود، اما فاقد آزادی خواهانه خواهیم بود.

شاید همینقدر گفته شده باشد. توجیه و فرزندخواندگی، جنبه‌های قانونی به‌کارگیری نجات که با کار نجات‌بخش مسیح به عنوان جایگزینی کیفری مطابقت دارند، توجیه و فرزندخواندگی هستند. ما توجیه اولی را در اشعیا ۵۳ مرتبط با جایگزینی کیفری می‌بینیم.

بنده‌ی عادل من، به دانش خود، بسیاری را عادل خواهد گردانید و گناهان ایشان را بر خود حمل خواهد کرد، آیه‌ی ۱۱. شایان ذکر است که عبارت کلیدی مربوط به کفار در کتاب مقدس، در رومیان آمده است تا مبنایی برای عادل‌شمردگی فراهم کند، رومیان ۳:۲۵، ۲۶. فرزندخواندگی، مانند عادل‌شمردگی، تصویری قانونی از رستگاری به کار رفته است.

پولس تعلیم می‌دهد که پدر، پسر را فرستاد تا بردگان گناه را رهایی بخشد تا او بتواند آنها را به فرزندپذیری، غلاطیان ۴:۴ تا ۷. پولس در همان رساله، چگونه رستگاری‌ای را که فرزندخواندگی را به همراه دارد، توصیف می‌کند؟ به عنوان جانشین کیفری در غلاطیان ۳:۱۳، مسیح با تبدیل شدن به یک نفرین در محدوده فردی، جمعی و کیهانی ما، ما را از لعنت شریعت رهایی می‌بخشد. مسیح به عنوان یک جانشین کیفری برای افراد، برای کلیسای خود و برای رهایی کل خلقت از لعنت گناه - در رابطه با سایر آموزه‌ها - می‌میرد.

یک راه برای نشان دادن اهمیت جایگزینی مجازات، بررسی عملکرد آن در ارتباط با سایر تصاویر کار نجات‌بخش مسیح است. گاهی اوقات از آن برای توصیف رستگاری استفاده می‌شود، مرقس ۱۰:۴۵. غلاطیان ۳:۱۳. آشتی، دوم قرن‌تینان ۵:۲۱.

پیروزی، کولسیان ۲:۱۴، ۱۵. و فداکاری، رومیان ۳:۲۵، اول پطرس ۲:۲۴. اکنون سه تصویر از کار نجات‌بخش مسیح را بررسی کرده‌ایم.

آشتی، جایی که عیسی میانجی ما و صلح‌دهنده ماست. رستگاری، جایی که عیسی نجات‌دهنده ما و نجات‌دهنده ماست. و جانشینی، جایی که مسیح جانشین ما، جانشین قانونی ما است، کسی که جریمه شریعت را برای ما می‌پردازد.

من فقط سه مورد دیگر را در پایان این سخنرانی بررسی خواهم کرد تا شاید در سخنرانی بعدی با جزئیات بیشتری به آنها بپردازیم. تصویر پیروزی از حوزه یا قلمرو جنگ، نبرد، مبارزه می‌آید. نیاز ما این است که دشمنانی بسیار قوی‌تر از خودمان داشته باشیم.

شیطان، دیوهای او، مرگ، جهنم، و جهانی که به عنوان نظامی متخاصم با خدا در نظر گرفته می‌شود. همه اینها به عنوان دشمنانی قدرتمندتر از ما، در برابر ما صف‌آرایی کرده‌اند. مسیح قهرمان الهی و انسانی ماست که با مرگ و رستاخیز خود، دشمنان ما را شکست می‌دهد.

کولسیان ۲:۱۵، عبرانیان ۲:۱۴ و ۱۵ از همه مهم‌ترند. خواهیم دید که مسیح قربانی ماست. او کاهن اعظم بزرگی است که خود را تقدیم می‌کند.

او هم یک قربانی است و هم یک پیشکش. نیاز ما پلیدی یا ناپاکی اخلاقی است که ما را در نظر خدای مقدس منفور می‌کند. تصویر قربانی کاهنان، منجر به تطهیر یا پاک کردن قوم خدا می‌شود.

یوحنا ۱:۲۹، عیسی بره خداست که گناه جهان را برمی‌دارد. عبرانیان ۹:۱۲ و ۱۵، مرگ مسیح ما را پاک می‌کند، ما را تطهیر می‌کند. آخرین تصویر، و ناشناخته‌ترین تصویر در میان مسیحیانی که من به آنها آموزش داده‌ام، تصویر بازگشت است که در آن عیسی آدم دوم است.

نیاز، مرگی است که توسط نافرمانی اولیه آدم به ارمغان آمد. نتیجه، حیات، حیات ابدی است که توسط مسیح، آدم دوم و آخر که به جای نافرمانی آدم اطاعت می‌کند، به ارمغان می‌آید. دو متن اصلی عبارتند از رومیان ۵:۱۸ و ۱۹ و اول قرنتیان ۱۵:۲۲.

بنابراین، شش تصویر اصلی از کار نجات‌بخش مسیح. تصاویر بیشتری وجود دارد، اما من آنها را بر اساس اهمیت و برجستگی‌شان در داستان کتاب مقدس انتخاب کردم. این فقط اشاره به یکی از این مضامین یک یا دو بار نیست، بلکه آنها در بخش‌های قابل توجهی از کتاب مقدس آشکار شده‌اند و به عنوان کاری که مسیح انجام داده تا ما را از آن خود کند و ما را برای همیشه نجات دهد، ارائه شده‌اند.

بنابراین، دوباره، در جلسه بعدی که با هم هستیم، به مسیح، قهرمان ما، مسیح، قربانی و کاهن اعظم ما، و مسیح، آدم دوم که آنچه آدم انجام داد را خنثی می‌کند، نگاهی خواهیم انداخت. از توجه خوب شما بسیار سپاسگزارم.

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد کار نجات‌بخش مسیح است. این جلسه ۱۶، شش تصویر از مسیح، بخش ۳، جایگزینی مجازات است.